

تاریخ سیلمی

کتابی از نشر نگاه معاصر

پنجاه سال بعد سروشون

نقدی بر واقع گرایی رمان سروشون

شیرین کریمی

پنجاه سال بعد سروشون

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

پنجاه سال بعد سروشون

نگارنامہ
نشر نگاه معاصر

نقدی پر واقع گراییِ رحمان سروشون

شیرین کریمی

نگاه‌ها

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم الرسام

طرح روی جلد و آرایش کتاب: کوروش شبگرد

(طرح حاشیه روی جلد، برگرفته از یونیفورم انتشارات خوارزمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: پیکان

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۴۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۲۸-۴۸-۵

سرشناسه	کریمی، شیرین، ۱۳۶۲
عنوان و نام پدیدآور	پنجاه سال بعد سووشون نقدی بر واقع گرایی رمان سووشون / شیرین کریمی.
مشخصات نشر	تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۲۴۴ ص: ۱۴/۵×۲۱ س.م، ۳۷۰۰۰ ریال
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۷۰۲۸-۴۸-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۴۷ - ۲۵۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	نمایه.
موضوع	دانشور، سیمین، ۱۳۰۰ - ۱۳۹۰. سو و شون -- نقد و تفسیر
موضوع	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع	Persian fiction -- 20th century -- History and criticism
موضوع	ادبیات -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	Literature and society
موضوع	داستان‌نویسی -- تاریخ
موضوع	Fiction -- Authorship -- History
رده بندی کنگره	PIR۸۰۴۱
رده بندی دیویی	۸۱۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۶۱۶۱۳۹۹

نشانی: تهران | مینی‌سیتی | شهرک محلاتی | فاز ۲ مخابرات | بلوک ۲۸ | واحد ۲ شرقی



۲۲۴۴۸۴۱۹



negahe.moaser94@gmail.com



nasher_negahemoaser

فهرست

سپاسگزاری.....	۷
پیشگفتار.....	۱۱
در اهمیت سووشون.....	۲۱
سووشون واقع گرا.....	۲۸
آیا دیگران هم به شیوه بازنمایی ایلات در سووشون اندیشیده‌اند؟.....	۳۳
پیدایش سووشون.....	۳۸
این همانی شخصیت‌ها.....	۴۰
سووشون خوانی.....	۵۴
ایلات و عشایر فارس.....	۵۵
خاندان‌های بانفوذ در فارس.....	۵۶
خاندان حکمت.....	۵۸
انگلیسی‌ها در فارس.....	۶۸
سکوت بهمن‌بیگی.....	۶۹
یوسف.....	۷۳
برادران قشقایی.....	۸۰
ایلخان قشقایی.....	۸۱
پلیس جنوب در فارس.....	۸۴
والی‌گری مصدق در فارس.....	۸۹
برآمدن رضاشاه.....	۹۰
نشان سپه.....	۹۴
بی‌بی همد در سووشون.....	۹۴
خدیجه بی‌بی.....	۹۵
مردان چادر به سر و زنان تنبان‌گشاد.....	۹۷
جهان‌نگری رضاشاه و شهرنشینانِ خاورمیانه.....	۱۰۷

بریده‌روزنامه‌ها	۱۱۰
شهرها و دهات نمونه ایران در اوایل دهه بیست	۱۱۳
طبیعت در طبیعت و طبیعت در ده	۱۱۴
پروانه سبز، پروانه زرد	۱۱۶
توله‌سگ‌های جناب سروان	۱۱۷
بازگشت ناصرخان و خسروخان به ایل	۱۱۹
باغ ارم	۱۲۳
دکتر مصدق در سووشون	۱۲۸
آمریکایی‌ها در باغ ارم	۱۳۳
کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲	۱۳۴
رساندن آذوقه به مردم	۱۳۵
ایلات در اندیشه آل احمد و شماری از روشنفکران	۱۴۰
آقای فتوحی چپ‌گرا	۱۴۴
آلمانی‌ها	۱۴۷
طبل جنگ به صدا درمی‌آید	۱۵۵
قشقای‌ها در دشت موک و تنگاب	۱۵۷
نبرد سمیرم	۱۶۰
ستوان دانشور	۱۷۴
معمای مرگ سرهنگ شقاقی	۱۷۶
بازار گرم داستان‌سرایی	۱۸۲
بهمن بهادری قشقای	۱۸۹
در باره رمان رئالیستی	۲۰۳
سووشون واقع‌گرا نیست	۲۱۷
منابع	۲۳۲
نمایه شخصیت‌های رمان سووشون	۲۴۰
نمایه اشخاص	۲۴۱

سپاسگزاری

از آقای دکتر کاوه بیات که پیش‌نویس این نقد را با دقت خواندند و پیشنهادهای روشنگری در بخش‌های تاریخی ارائه دادند بسیار سپاسگزارم. از دوست عزیزم نیایش قربان‌دولتی بسیار سپاسگزارم؛ بخش‌هایی از این نوشتار در چند نوبت گفت‌وگوی انتقادی با او بازنویسی شد. به لطف خانم دکتر سولماز مظفری این متن ویراسته‌تر شد، از ایشان بسیار سپاسگزارم. از دوستانم سارا سلیمانی کشکولی، ادريس سيدين، حميدرضا پرنیان و سیدهای طباطبایی که از همفکری و همراهیِ سودمندشان در نگارش و انتشار این نقد بهره بردم بسیار سپاسگزارم.

شیرین کریمی، پاییز ۱۳۹۸

پیشکش

به آنان که به ادبیات

حقیقت

و طبیعت

عشق می‌ورزند

پیشگفتار

این نوشتار یک نقد ادبی نیست، نقدی جامعه‌شناختی است بر پدیده‌ای ادبی. اکنون که این نقد را می‌نویسم، بیش از پنجاه سال از انتشار رمان سووشون گذشته است. سووشون همچنان خوانده می‌شود و سیمین دانشور با چراغی روشن در دست بلندقامت ایستاده بر بالای قلعه ادبیات فارسی. سیمین دانشور در گفت‌وگوهایش با روزنامه‌های مختلف گفته که در سووشون بخشی از تاریخ را نوشته است و وقایع و اشخاص این رمان برگرفته از واقعیت هستند. سووشون در تاریخ ادبیات ایران در دسته رمان‌های واقع‌گرا جای گرفته است، مقاله‌های علمی و پژوهشی براساس ویژگی واقع‌گرایی این رمان نوشته می‌شود و در متنها و گفتارها استنادهای تاریخی به متن رمان سووشون می‌شود. در این نوشتار نشان می‌دهم سووشون یک داستان بلندِ غیرواقع‌گراست. سووشون لغزش‌ها و تناقض‌هایی اساسی درباره اشخاص، گروه‌ها و وقایع تاریخی در ایالت فارس دارد. با توجه به جایگاه پراهمیتی که سووشون در تاریخ ادبیات ایران یافته است، بررسی این رمان به‌مثابه متنی تعیین‌کننده و اثرگذار امروز به‌اندازه و چه‌بسا بیش از زمان انتشار سووشون اهمیت دارد.

بسیارند کسانی که از خواندن رمان سووشون لذت برده‌اند، با شخصیت‌های این رمان رویاپردازی کرده‌اند، با سووشون در حال‌وهوای شیراز سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۰ سیر و سیاحت کرده‌اند، با زری به یوسف عشق‌ورزیده‌اند و با یوسف در برابر کاسه‌لیسان و متجاوزان ایستاده‌اند. پیش از نگارش این متن سووشون را دست‌کم سه‌بار خوانده بودم؛ یک‌بار در نوجوانی و دو بار در جوانی. خط اصلی داستان برایم جادویی بود. هر بار از خیر خواندن دو بخش از این داستان بلند می‌گذشتم؛ یکی قصه بلند و بچگانه مک‌ماهون بود و دیگر تک‌گویی طولانی ستوان ارتش درباره نبرد سمیرم. از نبرد سمیرم از آن‌رو می‌گذشتم که درست نمی‌فهمیدم طرف‌های نبرد

چه کسانی هستند و این ستوان غریبه دقیقاً می‌خواهد چه بگوید.^۱

روزگاری پس از آن مشغول پژوهش دربارهٔ تاریخ فارس و شهر شیراز شدم؛ دربارهٔ مکان‌ها، رویدادها، خاندان‌ها و اشخاص. در این میان گفت‌وگوی محمد بهمن‌بیگی داستان‌نویس و بنیانگذار مدارس عشایری در فارس را در مجلهٔ *کلک* خواندم. موضوع گفت‌وگو ادبیات فارسی معاصر بود. در بخشی از این گفت‌وگو بهمن‌بیگی می‌گوید: «خانم دانشور را هم در داستان‌های کوتاهش بیشتر می‌پسندم تا در سووشون» و مصاحبه‌کننده می‌پرسد: «فکر نمی‌کنید این بی‌مهری شما به سووشون به قشقای بودن شما و ورود خانم دانشور به این حیطه مربوط می‌شود؟» بهمن‌بیگی پاسخ می‌دهد: «نمی‌دانم... شاید^۲». سپس بحث به تمامی عوض می‌شود. بهمن‌بیگی سووشون را نمی‌پسندد و دربارهٔ دلیلش سکوت می‌کند. سه نقطهٔ میان این دو کلمه احتمالاً نشان از آن دارد که بهمن‌بیگی پس از ادای واژهٔ «نمی‌دانم» مکث کرده، بعد واژهٔ ابهام‌برانگیزتر «شاید» را بیان کرده، بلافاصله بحث عوض شده‌است. تا پیش از این هرچه از قلم دیگران دربارهٔ سووشون خوانده‌بودم، تحسین بود و ستایش. هوشنگ گلشیری سووشون را «معیار رمان‌نویسی در ایران^۳» دانسته‌است و دیگر منتقدان و اهالی ادبیات فارسی در ستایش و بزرگ‌داشت سووشون کم نگذاشته‌اند. پرسش‌هایی برایم ایجاد شد: چرا یک خوانندهٔ آگاه به دوران خودش - محمد بهمن‌بیگی - سووشون را نمی‌پسندد؟ قشقای‌ها در سووشون چگونه توصیف شده‌اند و آیا توصیف سیمین دانشور از قشقای‌ها با واقعیت جور درمی‌آید؟ سیمین دانشور اشخاص، نیروها، روابط، رویدادها، ساختار

۱- در یکی از نمایشنامه‌های رادیویی اقتباسی از رمان سووشون نیز روایت نبرد سمیرم به تمامی حذف شده‌است.

۲- این گفت‌وگو بار اول در مجلهٔ *کلک* و بعد در کتاب «به احاطت قسم» نوشتهٔ محمد بهمن‌بیگی، انتشارات نوید شیراز: تابستان ۱۳۷۹، ص ۲۵۳ منتشر شده‌است.

۳- فایل صوتی سخنرانی هوشنگ گلشیری، شب‌های شعر گوته، شب ششم، «جوانمرگی در نثر معاصر فارسی»، ۲۶:۴۲.

و بافت سیاسی و اجتماعی در شیراز دهه بیست خورشیدی را چگونه شرح داده‌است؟ ایراد کار کجاست؟

برای یافتن پاسخ بایست اسناد و کتاب‌هایی می‌خواندم؛ برای بار چهارم و دقیق‌تر سووشون، تاریخ معاصر قشقایی‌ها، شرایط سیاسی و اجتماعی شیراز در سال‌هایی که سووشون روایتش می‌کند، اندیشه‌های سیمین دانشور و جلال آل‌احمد و گفت‌وگوها و تحلیل‌ها و نقدهای منتشرشده درباره سووشون و وضعیت عمومی مملکت. به قول برتولت برشت شیوه نگارش رئالیستی را از شیوه نگارش غیررئالیستی نمی‌توان تشخیص داد؛ مگر با مقایسه اثر مورد نظر با واقعیتی که به شرح آن می‌پردازد.^۱ در دو دهه هشتاد و نود خورشیدی اسناد و مدارک زیادی درباره وقایع دهه بیست و سی و درباره نبرد سمیرم منتشر شده‌است؛ اسنادی که امکان مطالعه وقایع روزگاری را که سووشون مدعی روایتش است، فراهم می‌سازد.

برخی از خوانندگان، احتمالاً، لحن یا شیوه نوشتن نقد حاضر را بی‌پروا و جسورانه تلقی کنند و آن را شایسته جایگاه رمان سووشون و نویسنده بی‌نظیرش، سیمین دانشور، ندانند. در آموزه‌ای ودایی آمده‌است: «به‌وقت مهرورزی لطیف‌تر از گل است. چون پای اصول به میان می‌آید، غران‌تر از تندر می‌شود.» در این نوشتار پای اصول در میان است؛ اصول نوشتار واقع‌گرا. در نقد مهرورزی، ستایش و در لافافه‌نوشتن کاری پیش نمی‌برد؛ از این رو گرامی‌داشت جایگاه سیمین دانشور در تاریخ ادبیات فارسی و ستایش آثارش سواي این بررسی است. دغدغه نویسنده این سطور بررسی ویژگی واقع‌گرایی رمان سووشون و نشان‌دادن غیرواقع‌گرایی این رمان است. تعیین ژانر ادبی دیگری برای رمان سووشون در تخصص نگارنده نیست و منتقدان ادبی به این مهم پرداخته و می‌پردازند.

۱- برتولت برشت (۱۳۹۶) «درباره نوشتار رئالیستی»، ترجمه محمدجعفر پوینده، نگاه کنید به: «درآمدی به جامعه‌شناسی ادبیات»، چاپ دوم، تهران: نشر چشمه، ص ۳۶۶.

به گفته سیمین دانشور، تمام قصه سووشون «از چشم زری دیده می‌شود»؛ به‌واقع از چشم سیمین دانشور. نویسندۀ این رمان خود را واقع‌گرا می‌داند، آدرس‌های واقعی از اشخاص حقیقی می‌دهد و آن اشخاص و وقایع را با تخیل می‌آمیزد. در سووشون وقایع درست و نادرست و دقیق و نادقیق با تخیل آمیخته می‌شوند و اغلب شخصیت‌ها بی‌آنکه فرصتی برای سخن‌گفتن داشته باشند، داوری می‌شوند و در سوییۀ تاریک تاریخ جای داده می‌شوند. در داستان‌نویسی ایرادی بر این کار وارد نیست، برخی از نویسندگان ممکن است واقعیت و خیال را با هم ترکیب کنند. زمانی در درس پیش می‌آید که هم نویسنده و هم بیشتر منتقدان آفریدۀ ادبی را اثری واقع‌گرا و تاریخی معرفی کنند. وقتی نویسنده مدعی است اثری تاریخی-سیاسی نوشته و شخصیت‌ها را از واقعیت گرفته‌است و آدرس‌های سراسر می‌دهد و روشنفکران و منتقدان با صدایی بلند و خیالی آسوده اعلام می‌کنند: «سووشون اثری واقع‌گرا و راوی تاریخ است» و سووشون اثرگذار بر «تحولات اندیشه ایرانیان در صد سال اخیر است»، ما می‌توانیم به دنبال استنادهای واقعی باشیم و اگر تناقض دیدیم، اعلام کنیم. اگر نویسنده مدعی واقع‌گرایی و واقع‌گویی است، باید واقعیت را بگوید. اگر نویسنده و اهالی ادبیات فارسی معتقدند سووشون رمان رئالیستی است، پس سووشون باید ویژگی‌های رمان رئالیستی را داشته باشد. می‌توان برای اثر رئالیستی یا واقع‌گرا تعریف‌های گوناگونی ارائه داد و آن تعریفی را که با متن رمان بیشتر همخوانی دارد، برگزید و از واقع‌گرایودن آن دفاع کرد؛ اما مخاطب ادبیات، به‌ویژه خوانندۀ رمان خود را درگیر تعاریف سبک‌های ادبی نمی‌کند. خواننده آنچه را به‌مثابه متنی واقع‌گرا به او معرفی می‌شود، واقعی تصور می‌کند.

می‌توان پرسید از میان خوانندگان سووشون چند نفر از خیر خواندن

بخش هفدهم این رمان، یعنی نبرد سمیرم، گذشته‌اند و دیگر بخش‌های آن را واقع‌گرا دانسته‌اند؟ معلوم نیست. با وجود این، ما با یک مجموعه طرف هستیم؛ با یک ساختار که نمی‌توان بخش‌هایی از آن را نادیده گرفت یا حذف کرد و دیگر بخش‌های آن را واقع‌گرا دانست. در سووشون نویسنده از اشخاص حقیقی شناخته‌شده قشقای ضدقهرمان می‌سازد، شخصیت‌هایی می‌سازد فاقد ویژگی‌های پهلوانی، شجاعت، اخلاق و آرمان‌گرایی. ضدقهرمان‌هایی که دارای صفات منفی همچون ناسازگاری، پرخاشگری، نادرستی و کم‌عقلی‌اند. دانشور در گفت‌وگوهایش بارها می‌گوید: «من دانش کافی نسبت به شخصیتی که می‌سازم، دارم؛ چرا که آن شخصیت را بیشتر وقت‌ها از دنیای پیرامونم انتخاب کرده‌ام^۱». دانشور ایده‌هایی در سووشون بیان می‌کند و بعد ایده‌ها را به نام واقعیت و به‌منزله بخشی از تاریخ معاصر در جهان تکثیر می‌کند. در سووشون فرصت حرف‌زدن از تمام شخصیت‌ها گرفته شده‌است، جز یوسف. نشان خواهم داد در سووشون یوسف مالک تمام حقیقت است. شخصیت‌های سووشون کسانی نیستند که نظر مستقل داشته‌باشند. رمان یک عقل کل دارد و شخصیت‌هایی که به او رجوع می‌کنند و اگر نکنند، به بی‌راهه می‌روند. منطق و اندیشیدن و آگاهی از آن یوسف است و دیگران یا دنباله‌رو هستند یا گمراه. گویی سووشون دستاورد جهان معاصر نیست؛ یعنی اندیشه حاکم بر سووشون اندیشه معاصر نیست. اندیشه‌ای که انقلابیون مشروطه‌خواه را به حرکت درآورد، اندیشه‌ای که مجلس تأسیس کرد برای حضور تمام مردم و شنیده‌شدن تمام صداها؛ هرچند تلاشی بود ناموفق. اندیشه معاصر اندیشه‌ای مطلق‌نگر و یک‌بعدی نیست، اندیشه معاصر به جهانی چندصدایی می‌نگرد و چندگونگی و تفاوت را ارج می‌نهد. نویسنده سووشون با گونه‌ای جهان‌نگری ایدئولوژیکی پیشاانقلابی داستانی بلند می‌نویسد که در آن تکرار نمی‌بیند و تمام شخصیت‌های

داستان را به تسلیم و تمکین وامی‌دارد. در داستانِ بلندِ سووشون سیادت و سرفرازی از آن یک نفر است و صغارت و سرخوردگی از آن همگان.

بیشتر رویدادهایی که دانشور در سووشون به آنها پرداخته‌است، در سه دههٔ بیست، سی و چهل خورشیدی رخ داده‌اند. پیچیدگی روابط میان نیروهای اثرگذار در میدان سیاسی، به‌خصوص میدان سیاسی پربازیگر دههٔ بیست و سی و چهل خورشیدی در شیراز را نادیده می‌گیرد و به ترسیم الگویی ساده‌انگارانه و نادرست از آن بسنده می‌کند. سووشون ایلات و عشایر فارس را طوری نشان می‌دهد که گویی جز «برادرکشی و وحشی‌گری و تندروی و نوکری بیگانگان و برهم‌زنی نظم جهانِ نوپای شهری‌ها» کار دیگری نمی‌کنند. از همه مهم‌تر ایل قشقایی و بویراحمدی را به‌تمامی فریب‌خورده و هم‌دست انگلیس و «برادرکش»^۱ معرفی می‌کند؛ مردمانی که در شمار اثرگذارترین و دیرپاترین نیروهای مبارز بر ضد نفوذ انگلیس در خاک ایران بوده‌اند. اکنون، در اوایل قرن بیست و یکم، با وجودی که جمعیت ایلات و عشایر ایران به کمتر از دو درصد کاهش یافته‌است و بسیاری از قشقای‌ها همچون دیگر ایلیاتی‌ها ساکن شهرها و روستاهای ایران شده‌اند، ایل قشقایی هنوز یکی از بزرگ‌ترین قبایل کوچ‌روی ایران است.

سیمین دانشور در گفت‌وگو با هوشنگ گلشیری می‌گوید: «من ناخودآگاهانه در سووشون استناد و تخیل را به هم آمیخته‌ام»^۲. با خواندن این جمله مسأله‌ام را زیر سؤال بزرگ‌تر بردم: وقتی نویسنده سووشون خود به «آمیختن استناد و تخیل» اقرار می‌کند، آیا پرسش‌های من بی‌معنا نمی‌شود؟ آیا واقعیت جهانِ رمان‌نویسی با واقعیت جهان جامعه‌شناختی تفاوت دارد؟ آیا واقعیت با واقعیت تفاوت دارد؟ باری،

۱- کلمه‌هایی که در گیومه می‌آیند کلمه‌هایی است که در متن اصلی به کار رفته است.

۲- همو: ص ۱۸۱.

در ادامه همین گفت‌وگو سیمین دانشور حرف‌هایی می‌زند که بیشتر مطمئن می‌شوم به پرسش‌کشیدن سووشون ضروری است و چه‌بسا بایسته‌تر از آنچه تا پیش از خواندن متن گفت‌وگوی گلشیری با دانشور گمان می‌کردم؛ چرا که گستره سووشون محدود به متن سووشون نمی‌شود. به واقع آرای نویسنده درباره سووشون و حواشی اثرگذارش بر جامعه ایران بسیار گسترده‌تر از آن است که تصور می‌شود. در ادامه به دیگر بخش‌های این گفت‌وگو می‌پردازم.

از سویی اکنون استقبال خوانندگان ادبیات فارسی به نوشتارهای غیرداستانی (non-fiction) بیشتر شده‌است. خواننده در نوشتار غیرداستانی به دنبال فهم واقعیت و درک هستی انسان است و این سبک را برمی‌گزیند؛ چون می‌خواهد با ادبیاتی دلنشین و زبانی فصیح از *واقعیت* سر در بیاورد. برای خواننده رمان، به احتمال زیاد، واقعیت فقط واقعیت است. خواننده میان انواع واقعیت‌ها تمایزی قائل نمی‌شود. خواننده میان امر واقع و واقعیت ادبیات تفاوتی نمی‌بیند. این‌طور که پیداست، واقعیت ادبیات واقعیتی است که رمان‌نویس ساختارش را در ذهن خود و در فضای رمانش شکل می‌دهد؛ یعنی واقعیتی است که نویسنده عناصرش را می‌سازد. نوشتار غیرداستانی با نوشتار رئالیسم رابطه تنگاتنگی دارد؛ از آن‌رو که هر دو مدعی روایت واقعیت هستند. رمان سووشون نوشتاری واقع‌گرا معرفی شده‌است و در شمار شاهکارهای ادبیات فارسی قرار دارد، از این‌رو نقش مهمی در پیشینه ادبیات غیرداستانی در ایران پیدا می‌کند.

در این نوشتار ابتدا نشان می‌دهم سووشون چقدر در ایجاد تصویر ذهنی در میان مردم جامعه ایران و از قبل ترجمه، در جوامع دیگر، مؤثر بوده و هست. سپس سووشون‌خوانی را آغاز می‌کنم و نشان خواهم داد نویسنده چطور - احتمالاً ناآگاهانه - بر چهره تاریخ خاک پاشیده و مردمی را نادیده گرفته‌است که صاحب تاریخ و فرهنگی غنی هستند

و در سووشون ناشناخته مانده و دست‌کم گرفته شده‌اند. امید و کوشش نگارنده این است که این نقد تقلیل داده‌نشود به دفاعی تعصب‌آمیز از ایلات و عشایر ایران یا تعبیر نشود به سناریویی مخوف دربارهٔ دعوای خاندانی در ایالت فارس دههٔ بیست و پس از آن. بی‌گمان ادبیات در قبال جامعه و در قبال خودش مسئولیت‌هایی بر دوش دارد که در بخش پایانی این نقد به آن خواهیم پرداخت.

سووشون - احتمالاً ناآگاهانه - در دام برنامهٔ سرکوب ایلات و عشایر از سوی حکومت پهلوی افتاده‌است. نویسندهٔ سووشون برای ساختاردهی به داستان سووشون با دست‌بردن در واقعیت، به‌ویژه در مواجهه با ایلات و عشایر، هم‌سو با سیاستی پیش‌رفته که حکومت وقت با تمام قوا سعی در اجرای آن داشته‌است؛ سیاست ساخت دولت‌ملت و سیاست معدوم‌سازی ایلات و عشایر ایران. دانشور دربارهٔ سرکوب شدید ایلات و عشایر سکوت می‌کند و تصویری از تجربهٔ زیست دشوار و تقریباً ناممکن ایلات و عشایر در کنار شهری‌ها، زیر لوای حکومت نظامی پهلوی در آن روزگار ترسیم نمی‌کند. با خواندن سووشون نمی‌توان به درک درستی از واقعیت ایران و ایالت فارس پس از شهریور بیست رسید. به‌واقع نگاه نویسندهٔ رمان سووشون به ایلات و عشایر همان نگاه حکومت پهلوی به ایلات و عشایر است. از یک سو سووشون - آگاهانه - به‌تمامی سمت حکومت و ارتش شاهنشاهی ایستاده‌است و نویسنده ایستادن در این موضع را ابتداءً انکار نمی‌کند. از سویی سووشون - احتمالاً ناآگاهانه - همدست حکومت و نیروهایی می‌شود که سال‌ها کوشیدند ایلات و عشایر ایران را سرکوب کنند. حکومت پهلوی چهل‌سال، از زمان تخت قاپوی رضاشاه تا اصلاحات ارضی دههٔ چهل، برای سرکوب و یکجانشینی ایلات و عشایر ایران خرج و تقلا کرده‌بود و در این گیرودار سووشون با ظرافت و فصاحت در میدان ادبی ایران زاده‌شد و ضربهٔ دیگری بر تن ایلات و عشایر فرود آورد.

جهان‌بینی دانشور در رمان سووشون بر مبنای برنامه‌ای است که حکومت پهلوی و شماری از روشنفکران ایران در اوایل قرن چهاردهم خورشیدی از آن دفاع می‌کردند. پس از انقلاب مشروطه افزایش ارتباط با جوامع همگون اروپای غربی روشنفکران ایران را به این فکر انداخت که ناهمگونی قومی و تنوع زبانی در ایران به دلیل بی‌کفایتی شرقی است و خودمختاری منطقه‌ای دلیل هرج و مرج دولتی و کوچ‌نشینی ایلات و عشایر دلیل نابه‌سامانی در جوامع روستایی است، برنامه این روشنفکران گذار از امپراطوری چند ایل، چندزبانی و چندفرهنگی به دولتی یکپارچه بود با قدرتی مرکزی، یک زبان، یک فرهنگ و یک ملیت و این‌همه را از راه تمرکزبخشی به دستگاه دولت و فارسی‌کردن زبان اقلیت‌ها ممکن می‌دانستند^۱. رمان سووشون زاده این تفکر است.

بنا ندارم در این نوشتار تمام تاریخ ایلات و عشایر را بیاورم. به پیروی از سنت زیبای داستان‌های هزارویکشب در هزارتوی هزار در تاریخ فقط درهایی را می‌کشایم که داستان بلند سووشون از آنها گذر کرده یا ضربه‌ای به آن زده و پیش رفته است. سووشون مصداق بیت صائب تبریزی است: «چون گذارد خشت اول بر زمین معمار کج / گر رساند بر فلک، باشد همان دیوار کج»؛ البته اگر دیوار رمان‌نویسی در ایران را کج بدانیم. در فصل‌های پیش رو می‌کوشم این ادعا را ثابت کنم. سووشون سرچشمه است، زیباست و شاعرانه و خیال‌انگیز؛ اما آب این سرچشمه زلال نیست. چیزهایی در سووشون هست که آب را آلوده می‌کند؛ آنچنان که نمی‌تواند نهال داستان‌نویسی و رمان‌نویسی رئالیستی و تاریخی را در ایران به قدری سیراب کند که قد بکشد و درختی شود تنومند و سایه افکن.

۱- پروانه آبراهامیان (۱۳۹۴) کمونیسم و اندیشه اشتراکی در ایران، ترجمه بهرنگ رجبی، ناشران الکترونیک: اسلام نوین و سایت تاریخ ایرانی، ص ۱۱.

در اهمیت سووشون

در جهان همیشه چیزهایی هست که ما به اهمیت آنها یا به «اهمیتی که به آنها اعطا شده است» و یا به «اهمیتی که با گذشت زمان پیدا می‌کنند»، نمی‌اندیشیم. به دو پرسش می‌پردازم: اول، چرا سووشون مهم است؟ دوم، چه کسانی بی‌تحلیل و بی‌تأمل سووشون را اثری واقع‌گرا و راوی تاریخ دانسته‌اند؟ برای نویسنده این سطور پرسش دوم مهم‌تر است؛ اما وقتی پرسش اول طرح می‌شود، پاسخ‌دهندگان به پرسش دوم نیز پاسخ می‌دهند.

سووشون از جمله آثار ادبی بخت‌یار دهه شگفت‌انگیز چهل خورشیدی است. این رمان تا سال ۱۳۹۳ به چاپ نوزدهم رسید. در ایران تخمین زده شده که تاکنون بیش از پانصد هزار نسخه از سووشون به فروش رسیده و همچنان در لیست کتاب‌های پرفروش قرار دارد.^۱ سووشون به هفده زبان متفاوت در دنیا ترجمه شده است.^۲ بیشتر مقالات، نقدها، بررسی‌ها و یادداشت‌هایی که درباره سووشون نوشته شده‌اند، در یک چیز هم‌نظر هستند؛ «سووشون یکی از ماندگارترین آثار ادبی فارسی است». برخی از نویسندگان این مطالب برای تأیید این ادعا از عبارت «به گواه تاریخ» استفاده می‌کنند، آنها تاریخ را شاهد می‌گیرند بر ماندگاری سووشون. نکته این که قریب به اتفاق افرادی که بر اهمیت سووشون تأکید دارند، بر «تاریخی بودن» و «واقع‌گرایی» سووشون تأکید می‌ورزند. تاریخی بودن دو معنا دارد؛ در معنای اول به تاریخ آفرینش اثر و در معنای دوم به بازتاب تاریخ در متن اثر اشاره دارد. اگر تاریخی بودن را به معنای عمر سووشون از

۱- ایبنا، خبرگزاری کتاب ایران، «سووشون و سیاه مشق همچنان می‌فروشند»، تاریخ انتشار: ۳۰ خرداد ۱۳۹۷ و تاریخ مشاهده: ۳ مهر ۱۳۹۸.

۲- خبرگزاری مهر، «سووشون به بازار کتاب ایتالیا هم راه یافت»، تاریخ انتشار: ۲۵ آذر ۱۳۹۶، تاریخ مشاهده: ۳ مهر ۱۳۹۸.

زمان آفرینشش در نظر بگیریم، نیم قرن بخت یار بودن در میدان ادبیات، سووشون را به اثری تاریخی تبدیل می‌کند؛ اما اگر تاریخی بودن این رمان را به معنای روایت‌گر تاریخ در نظر بگیریم، نادرست است و اکثر منتقدان و ستایش‌گران معنای دوم را در نظر گرفته‌اند.

یکی از شب‌های پاییز ۱۳۵۶، در باغ انجمن فرهنگی روابط ایران-آلمان هوشنگ گلشیری برای جمع پرشماری از جوانان چپ‌گرا و معترض سخنرانی کرد. گلشیری در سخنرانی‌اش گفت: «سووشون معیار رمان‌نویسی است و حضورش بر بسیاری از رمان‌های پیش از آن خط می‌کشد و رمان‌های پس از آن را باید با آن سنجید».^۱ این داوری گلشیری هشت سال پس از انتشار سووشون اعلام شد. سیمین دانشور نیز یکی از سخنرانان شب‌های شعر گوته بود. دانشور زنی بود منتقد، صاحب‌فکر و شجاع که پس از تشویق‌های طولانی حضار با فروتنی متنی درخشان در نقد هنر معاصر قرائت کرد. در آن شب پرامید و پراشتهاب داوری گلشیری درباره سووشون بسیار تعیین‌کننده بود؛ چنین داوری‌ای از چنان منتقد و نویسنده‌ای دلیلی است بسنده برای برگرداندن همواره نگاه‌های کتاب‌خوانان به سوی این رمان.

گلشیری نقد مفصلی بر سووشون نوشته است. به تعبیر گلشیری در سووشون «سعی شده است تا وقایع زمان تاریخی رمان در پرتو وقایع زمان خلق رمان و برداشت‌های آل احمد از این وقایع تعبیر و تفسیر شود و در نتیجه طرحی که برای حل معضلات در همان سال وقوع حوادث رمان پیش چشم خواننده گذاشته می‌شود، همان طرحی است که مثلاً در **در خدمت و خیانت** **روشنفکران** و حتی **غریب‌زدگی** آل احمد شکل گرفته‌بود».^۲

۱- فایل صوتی سخنرانی هوشنگ گلشیری، شب‌های شعر گوته، شب ششم، «جوانمرگی در نثر معاصر فارسی»، ۲۶:۴۲.

۲- گلشیری، ۱۳۷۶: ص ۸۰.

در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ نمایشنامه سووشون با اقتباس از رمان سووشون در تهران به روی صحنه رفت.^۱ گفته شده است بسیاری از درام‌نویسان ایران تمایل دارند با اقتباس از سووشون نمایشنامه یا فیلمنامه بنویسند و شماری از کارگردانان تئاتر و سینمای ایران در آرزوی انجام این کار هستند. محمد متوسلانی، بازیگر و کارگردان ایرانی، امتیاز ساخت فیلمی براساس داستان سووشون را از سیمین دانشور خریداری کرده است. متوسلانی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، دست‌اندازه‌های پیش‌روی ساخت فیلم سووشون را «نبودن بودجه کافی و امکانات خاص» می‌داند. به زعم متوسلانی از آنجایی که جامعه نیز نسبت به فیلمی که از سووشون ساخته می‌شود، حساسیت دارد، ساخت فیلم دشوارتر می‌شود. به گفته متوسلانی، تهیه‌کنندگانی همچون مسعود جعفری جوزانی و بهروز افخمی قصد داشتند فیلمی براساس این رمان بسازند؛ اما موانع بسیار کارشان را به بن‌بست رساند. فیلم‌سازان دیگری از جمله رخشان بنی‌اعتماد و کارگردانی ایتالیایی به سیمین دانشور برای ساخت اثری سینمایی براساس این رمان پیشنهادهایی دادند؛ اما تمام تلاش‌ها ناکام ماندند.^۲ آنچه برای ما اهمیت دارد، اشاره به «جامعه» است، جامعه‌ای که «نسبت به فیلمی که از سووشون ساخته می‌شود، حساسیت دارد»؛ با وجود چنین حساسیتی اهمیت رمان سووشون و اهمیت آنچه سووشون به نام واقعیت برای مخاطب ترسیم کرده است، بیشتر می‌شود.

دیگر اینکه در «گفت‌و شنودی با سیمین دانشور»، که در نشریه تکاپو منتشر شده است، وقتی سیمین دانشور می‌گوید: «بعضی‌ها می‌گویند جزیره از سووشون بهتر از آب درآمده»، مصاحبه‌گر می‌گوید: «توی

۱- محامدی (۱۳۸۶) «نمایشنامه سووشون (براساس رمان جاودان سیمین دانشور)»، تهران: خوارزمی، شرکت نشر قطره.

۲- خبرگزاری مهر، «چرا علیرغم خرید امتیاز سووشون فیلم آن ساخته نشد؟»، تاریخ انتشار: ۲۳ اسفند ۱۳۹۰ و تاریخ مشاهده: ۳ مهر ۱۳۹۸.

ادبیات ما، سووشون حالا دیگر شده یک کلاسیک؛ وانگهی همچه با ما عجین شده که طردش مثل طرد یک تکه خودمان است» و دانشور می‌گوید: «نمی‌دانم، آدم وقتی یک کاری نوشت، دیگر متعلق به خودش نیست.^۱» سیروس رومی در مقاله «شروه‌ای در شرحی» سیمین دانشور را با نویسنده کتاب امیرارسلان برابر می‌داند (گرچه رومی در پاورقی هم نوشته‌است: نویسنده امیرارسلان کیست؟) و بعد می‌نویسد: «دانشور با نوشتن سووشون تمام مرزهای ادبیات داستانی ما را به هم ریخت.^۲»

دیگر اینکه تیمور غلامی، معلم اهل مشهد، در مقاله «سیمای سیمین اهل قلم» سووشون را «به‌حق» گزینشی «بسیار به‌جا» برای کتاب‌های درسی می‌داند.^۳ بخشی از رمان سووشون در کتاب ادبیات فارسی دوره دبیرستان آمده‌است. حسین پاینده می‌نویسد: سیمین دانشور «بی‌تردید شهرت خود را - در ایران و هم در خارج از کشور - عمدتاً مدیون نخستین رمانش یعنی سووشون است. این رمان نخستین بار در سال ۱۳۴۸ منتشر شد، تا آذرماه سال ۱۳۵۶ در مجموع هفت بار تجدید چاپ گردید. آمار دقیقی از دفعات چاپ غیررسمی و شمارگان سووشون پس از انقلاب در دست نیست. اگر شمارگان چاپ هشتم این رمان در سال ۱۳۵۶ را ملاک قرار دهیم (۲۲۰۰۰ نسخه)، می‌توان گفت پس از **بوف کور** هدایت، **سووشون** پرفروش‌ترین رمان فارسی بوده‌است.^۴» نکته دیگری که به‌دست‌دادن آمار دقیق و حتی آمار تقریبی از خوانندگان رمان‌ها را بدل به امری دشوار و ناممکن می‌کند، رسم امانت‌دهی و دست‌به‌دست‌شدن

۱- دهباشی (۱۳۸۳)، «بر ساحل جزیره سرگردانی»، جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور، تهران: نشر سخن، ص ۱۰۴۵.

۲- همو: ص ۸۹۵.

۳- همو: ص ۳۹۷. پس از انقلاب اسلامی بخش‌هایی از داستان سووشون در کتاب‌های فارسی دبیرستان منتشر شده‌است.

۴- حسین پاینده، «سیمین دانشور: شهرزادی پسامدرن». کتاب ماه ادبیات و فلسفه. دی ماه ۱۳۸۱. شماره ۶۳. صص ۷۲-۸۱.

رمان میان خوانندگان در ایران است. به‌واقع امری معمول است که یک نسخه از رمان را چندین نفر بخوانند.

شهریورماه سال ۱۳۹۸ ماهنامهٔ تجربه به مناسبت پنجاه‌سالگی سووشون پرونده‌ای منتشر کرد. در تعدادی از یادداشت‌های این پرونده به چرایی اهمیتِ سووشون پرداخته شده‌است. در این پرونده به نظر حسام‌الدین مطهری داستان‌نویس سووشون «رمان موفقِ فارسی و شاید موفق‌ترین زن‌نویستِ فارسی» است. به نوشتهٔ مطهری «سووشون - فارغ از عوام‌پسندی ناشی از تواتر رسانه‌ای - همچنان خواننده دارد.» او برای سووشون در وضعیت امروز از عبارت «خواندنی دست به نقد» استفاده می‌کند. به باور مطهری «آنچه یوسف سووشون را به‌سان شهیدی مقدس و زری را به‌سان یک زن، مادر، شیرزنِ کنش‌گر به تصویر می‌کشد تا بتواند بارِ کلویدن - به تعبیر میلان کوندر - مسئله در جهان بودنِ ایرانی را به دوش بکشند، منظومه‌ای از تجربه، پختگی در زبان، نگاه به اساطیر و علاوه بر همهٔ این‌ها زندگی شخصی است.» و در ادامه مطهری به اهمیتِ زبان اشاره می‌کند؛ در جایی که می‌نویسد: «شاید بتوان گفت - غیر از زبان که دارایی بی‌چون‌وچرای دانشور است - باقی چیزها خواه‌ناخواه میوهٔ زندگی با جلال آل احمد بودند؛ مردی که بسیاری او را الهام‌بخش شخصیت یوسف دانسته‌اند.» مطهری سووشون را «کارستانِ سیمین» می‌داند و نام یادداشتش را نیز همین می‌گذارد و می‌نویسد: «بوفِ کور صادق هدایت ستایش‌برانگیز است، چون آغاز بود و سووشون سیمین دانشور ستایش‌برانگیز است، چون معیاری اثرگذار و حرکت‌ساز در رمان فارسی پدید آورد... فارغ از هر عنوان در هر برهه از تاریخ سووشون تحسین‌برانگیز است... سووشون رمان‌نویسی ایرانی را به رخ کشید؛ گو اینکه پیش از سووشون رمان فارسی هنوز در مقام تقلیدِ عین‌به‌عین بود و گاه به کپی عین‌به‌عین هم می‌افتاد و کسی صدایش را در نمی‌آورد.

بی‌واهمه از لهجه کمک گرفته‌است و در عین حال گرفتار نشده‌است. زن کش‌گر را در قامت چند شخصیت و چند موقعیت به تصویر کشیده‌است. بدون تن دادن به ورطه تلخ کامی، تلخی را روایت کرده‌است. «مطهری با برشمردن این ویژگی‌ها سووشون را «رمان تمام‌قد ایرانی» می‌داند که کاری کرده‌است کارستان»^۱.

در مجله تجربه یادداشت مهدی جعفری، نویسنده، درباره سووشون نیز قابل تأمل است. جعفری خوانشی هم‌دانه با سووشون ندارد، عنوان یادداشتش «نامهم» است و به باور او سووشون «از نظر مفهومی چندان اثر مهمی نیست. چیزی به خواننده نمی‌افزاید. هیچ تحلیل یا بررسی‌ای در مورد انسان، روان، وجود، جهان یا سیاست ارائه نمی‌دهد. حداکثر کاری که می‌کند، اعتراضی است به وضع شرح داده‌شده در رمان.» جعفری در ادامه نقدش به سووشون می‌نویسد: «شباهت‌سازی بین یوسف و سیاوش شاید مهم‌ترین کاری باشد که نویسنده انجام می‌دهد؛ ولی بازسازی یک اسطوره حتی اگر موفق هم باشد، چه اهمیتی دارد؟... درباره اثری که مهم‌ترین شاخصه آن شباهت ظاهری قهرمان داستانش با سیاوش است، نه حتی شباهت صوری یا فرمی اثر با داستان سیاوش، چه می‌توان گفت؟ به گمانم هیچ، به جز تأثیری عاطفی که بر خواننده می‌گذارد که هیچ ربطی به کیفیت اثر ندارد.» جعفری درباره منتقدانی که از اهمیت رویکرد سیاسی- تاریخی سووشون دم می‌زنند، با اشاره به این گزاره که «رمان محل مناسبی است تا به شکل واقع‌بینانه‌ای تاریخ معاصر را واکاوی کرد و حقایق را برملا کرد»، می‌پرسد: «خود رمان را چه کسی باید به قضاوت بنشیند؟ آیا نویسنده رمان چون داستان را می‌نویسد، موجه‌تر از هر نویسنده دیگری است؟ راست‌گوتر است؟ تیزبین‌تر است؟ هر روایتی اگر بنا باشد به واکاوی حقایق تاریخی

۱- حسام‌الدین مطهری (۱۳۹۸) «کارستان سیمین»، مجله تجربه، سال نهم، شماره ۶۵: صص ۲۰-۱۹.

بنشینند، باید به محک مستندات سنجیده شود. بگذریم.» و می‌گذرد و در ادامه می‌نویسد: «این اثر چه چیزی درباره‌ی دورانی که به آن اشاره دارد، به ما اضافه کرده؟ چه ناگفته‌ای گفته شده؟ چه ظریفی بیان شده؟ چه روشنایی ای بر تیرگی این دوران افکنده؟»، رمان سووشون چیزهایی «بسیار اندک و نایسند» به خواننده می‌دهد و «سووشون رمانی شاخص در گستره‌ی زبان فارسی نیست. اهمیت آن هم مانند بسیاری از آثار دیگر اهمیتی تاریخی است. نخستین رمانی است که زنی آن را نوشته است که ارزشی برای اثر محسوب نمی‌شود؛ همچنین در میانه‌ی راه داستان‌هایی است که می‌توان آنها را رمانتیسیم سیاسی فارسی دانست^۱». با توجه به نقدهای مهدی جعفری اینجا منظور از «اهمیت تاریخی» اهمیت از نظر زمان انتشار و جایگاه سووشون در تاریخ ادبیات ایران است و نه تاریخی بودن به لحاظ محتوا.

در اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ وبسایت بی‌بی‌سی فارسی گزارشی را منتشر کرد با عنوان «چه کتاب‌هایی در صد سال اخیر در تحول فکری ایرانیان مؤثر بوده؟» بی‌بی‌سی فارسی از «شماری از اهالی فرهنگ و ادب» خواسته بود فهرستی از کتاب‌ها و متون صد سال اخیر ایران را معرفی کنند که هم بر تحول فکری ایرانیان اثر گذاشته و هم حاصل تحولات تجدّدخواهانه بوده‌اند. از میان پاسخ‌دهندگان سه نفر سووشون را در این فهرست جای داده‌اند: محسن کدیور اسلام‌شناس و مدرس مطالعات دینی دانشگاه دوک در کارولینای شمالی، عبدالکریم سروش اسلام‌شناس و نظریه‌پرداز و حسین شهیدی استاد علوم ارتباطات^۲.

۱- مهدی جعفری (۱۳۹۸) «نامهم»، مجله‌ی تجربه، سال نهم، شماره ۶۵: ص ۱۵.

۲- وبسایت بی‌بی‌سی فارسی، «چه کتاب‌هایی در صد سال اخیر در تحول فکری ایرانیان مؤثر بوده؟»، تاریخ انتشار: ۷ اردیبهشت ۱۳۹۸، تاریخ مشاهده: ۱۵ مهر ۱۳۹۸.